



■ رضاخان در کنار رولزرویس مصادره شده از نصرت الدوله



انگلیسی‌ها در این کودتا قطعاً نقش داشتند و طراح اصلی کودتا بودند ولی عوامل محلی انگلیس، نه لندن. عوامل محلی انگلیس شرایط را سنجیدند و دریافتند که برای ممانعت از ورود حکومت در حال تشکیل بلشویکی به ایران، نیاز به یک اقدام فوری داشتند. این اقدام فوری به وسیله قوای قزاق انجام می‌گیرد: رضاخان به عنوان بازوی نظامی و سیدضیاء به عنوان بازوی سیاسی باید این کودتا را انجام دهند.

بعد از کودتاهم مشاهده می‌کنیم که در بیست سال حکومت رضاخان - که چهار سال اول وزیر جنگ و نخست‌وزیر است و بعد هم پادشاه می‌شود - انگلیسی‌ها در بزنگاه‌های حساس می‌توانند حرف خود را به کرسی بنشانند.

کرده و همه چیز را نابود کند ولی می‌داند اگر این کار را کند، کار سستی است. پس سیاسی عمل می‌کند؛ نزد معتمدالملک می‌رود و می‌گوید فرمایش شما درست است و هر چه شما بگویید ما رعایت می‌کنیم و بعد هم از جمهوری برمی‌گردد و عزل می‌شود. حال که در آستانه عزل شدن است، نزد علما در قم می‌رود و ۱۲ فروردین به بومهن رفته و سعی می‌کند بحث‌های سیاسی راه بیندازد. محور مخالفت با بحث جمهوری بیشتر مردم و مرحوم سیدحسن مدرس به عنوان یک روحانی سیاستمدار بودند.

رضاخان بعد از اینکه در ماجرای جمهوری شکست خورد دوباره تلاش می‌کند دل ولیعهد را به دست بیاورد و به سیاست برگردد و هر طور شده دربار را با خود همراه کند که نخست‌وزیری‌اش از بین نرود؛ ولی تا مسأله خزع‌ل پیش می‌آید دوباره رویگردش عوض می‌شود و فرماندهی کل قوا را می‌گیرد. رضاخان در آبان ۱۳۰۴ مراقب است که اگر مانند دوره جمهوری با سروصدا پیش رود و محمدحسن میرزا، جامعه سیاسی و مدرس را تحریک کند، ممکن است وضعیت تغییر نماید. لذا از چند ماه قبل سعی می‌کند به مدرس اطمینان دهد که هم قصد سوئی برای تغییر رژیم ندارد و هم این که حقوق محمدحسن میرزا را در اول مهر افزایش می‌دهد تا نشان دهد که مطیع او است و به مرحوم مدرس می‌گوید کابینه‌ام استعفا می‌دهد و وزرابی را که شما راضی هستید انتخاب می‌کنم. پس ما در واقع با یک سیاست پیچیده‌ای سر و کار داریم که یک آدم باهوش آن را مدیریت می‌کند.

با این حال، رضاشاه اصلاً نگاه سیاسی کلان نداشت. مثلاً در اختلاف ارضی ایران و افغانستان می‌گوید ژنرال آلتای ترک را بیاوریم حکم کنیم و این را در نظر نمی‌گیرد که ترکیه و افغانستان از دیرباز با یکدیگر پیوند دارند و نباید رفیق افغانستان را به عنوان حکم بیاوری. حتی مسأله راه آهن هم ایده او نبود. صنایع‌الدوله رئیس مجلس طرح داد که آن را چگونه بسازیم و منبع مالی را چگونه از مالیات قند و شکر تأمین کنیم.